

نگاه دیپلمات

اجازه ندهیم تعدی مسکو به رویه تمذیل شود



نعمت‌الله ایزدی
سفیر پیشین ایران در روسیه

که سیاست‌های مسکو آسیب‌های بیشتری به ما بزند. برای تعیین دستور کار سیاست خارجی کشور با هدف تامین حداکثر منافع در مواجهه با روسیه، باید طرز تفکر روسیه را به درستی درک کنیم. در حال حاضر تصور روسیه که چندان هم غلط نیست، این است که ما در میان قدرت‌های دنیا به جز روسیه شریک دیگری برای خودمان نگه نداشته‌ایم. مسکو احساس می‌کند ما تک‌گزینه‌ای هستیم و امکان دیگری نداریم. ما با تلاش کرد تا این تصور در روسیه از بین برود. ما با اصلاح سیاست‌های مان می‌توانیم توازن ایجاد کنیم و این ذهنیت را در روسیه از بین ببریم.

اهرم حق وتو

روسیه چه در مذاکرات و چه در رفتار بین‌المللی اش سابقه طولانی در استفاده از ظرفیت عضویت دائمش در شورای امنیت سازمان ملل متحد و حق وتو به عنوان اهرم فشار و چانه‌زنی دارد. حتی در دوران اتحاد جماهیر شوروی و جنگ تحمیلی نیز مسکو از این ظرفیت خود به عنوان ابزاری برای امتیازگیری استفاده می‌کرد. در واقع روس‌ها همواره تلاش می‌کنند طرف‌هایی را که در شورای امنیت دچار مشکل هستند با این ابزار تحت فشار قرار دهند و با این ادعا که اگر حمایت مسکو وجود نداشته‌باشد، ممکن است پرونده آنها دچار مشکل شود، تلاش می‌کنند تا امتیازهای بیشتری بگیرند. اگر چه مسکو چنین ظرفیتی را در اختیار دارد و مادامی که ما نتوانیم مشکلات مان را در پرونده هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و جهان غرب حل‌وفصل کنیم، ممکن است این ظرفیت به کار ما بیاید، اما بخشی از این احساس نیاز به وتوی مسکو، ناشی از القانات روسیه است. ما باید بتوانیم به روسیه بفهمانیم که مسکو تنها گزینه ما نیست، البته این هدف مستلزم تلاش جدی، تعامل با جهان و تغییر رویکرد سیاست خارجی است. در حال حاضر حق وتوی روسیه به عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در روابط ما با مسکو ایفای نقش می‌کند. واقعیت این است که تاکنون این ظرفیت مسکو کمکی به ما نکرده است و فقط در حد حرف باقی مانده است و حتی روس‌ها بارها قطعنامه‌هایی را که علیه ما پیشنهاد شده‌است نه تنها وتو نکرده‌اند، بلکه رای مثبت داده‌اند.

ضرورت سیاست خارجی متوازن

اگر ما بتوانیم با یک سیاست منطقی رویکرد متوازن در سیاست خارجی در پیش بگیریم و از وابستگی خودمان به مسکو کم کنیم، آنگاه اهرم‌هایی پیدا می‌کنیم که بتوانیم در مقابل اقدام‌های مسکو سیاست منطقی و مؤثر داشته‌باشیم. البته همه آنچه گفته شد به این معنا نیست که ما با یک کشور همسایه بزرگ مثل روسیه وارد مجادله و درگیری شویم. روابط تهران و مسکو بسیار با اهمیت است. اما این روابط دو ویژگی مهم دارد: نخست اینکه، روسیه ظرفیت محدود و مشخصی دارد و نباید بیش از ظرفیت به مسکو بها بدهیم و اجازه دهیم این تصور در مسکو ایجاد شود که فعال می‌باشد، در سیاست خارجی ما است. روسیه می‌تواند بخشی از سیاست خارجی ما را به خود اختصاص دهد و باید جایگاه خود را داشته‌باشد، چرا که هم همسایه ماست و هم قدرت جهانی محسوب می‌شود و هم ظرفیت‌های ویژه خود را دارد. نکته دوم اینکه، بدون تردید باید به سمت متوازن‌سازی روابط خارجی حرکت کنیم. شعاری که در سیاست خارجی ما تکرار می‌شود که نگاه ما منحصرأ به سمت شرق است، شعار درستی نیست. دیگر در ژئوپلیتیک جهان امروز شرق به معنای گذشته وجود ندارد و حتی روسیه هم نگاهش به شرق نیست، بلکه نگاهش به غرب است. در واقع نگاه ما به رفتار روسیه، نگاه با واسطه به غرب است و روسیه برای ما غرب را نمایندگی می‌کند. مهم‌ترین نکته این است که نباید اجازه بدهیم روسیه این نوع رفتارش را در مقابل تمامیت ارضی ما به شکل یک رویه در بیاورد. شش ماه پیش یک بار روس‌ها این کار را کردند، دوباره آن را اخیراً تکرار کردند و در گفت‌وگوهای دوجانبه مدام تکرار می‌کنند که ما به تمامیت ارضی شما احترام می‌گذاریم. منظور روسیه از احترام به تمامیت ارضی ایران این است که تهران باید موارد اختلافی را حل‌وفصل کند. این رویکرد روسیه منطقی نیست، سرزمین ما یک سرزمین یکپارچه است و همه چیز با هم است. اینکه روس‌ها جزایر سه‌گانه را جدا بدانند و به دروغ ادعا کنند که تمامیت ارضی ایران دفاع می‌کند، باید از سوی تهران با واکنش درخور مواجه شود.

رسمی توسط وزیر خارجه روسیه، یک اقدام جدی و یک تعرض مهم به تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود. وی می‌گوید: «بیانیه وزرای خارجه کشورهای در زمره اسناد رسمی بین‌المللی محسوب می‌شود و در مراجع بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد و کشور مدعی می‌تواند آن را به عنوان یک سند رسمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد ثبت کند. امارات متحده عربی معمولاً چنین اسنادی را در شورای امنیت سازمان ملل متحد ثبت می‌کند.» احمدی تأکید می‌کند: «وقتی یک کشور در یک سند رسمی در مورد تعلق بخشی از قلمرو یک کشور ایجاد تردید می‌کند، بیان کلی و عام و شفاهی مبنی بر شناسایی تمامیت ارضی آن کشور فقط یک اظهارنظر بی ارزش کلامی و تعارف دیپلماتیک است. روس‌ها و دیگران اگر واقعاً به تمامیت ارضی ایران احترام می‌گذارند باید رسماً و کتباً اعلام کنند که مفاد بندهای مربوطه در بیانیه‌های مشترک با عرب‌ها را کان‌لم‌پیکن می‌دانند و پس می‌گیرند.»

آیا ایران مذاکره را نمی‌پذیرد؟

تهران همواره تأکید کرده‌است که در صورت وجود سوءتفاهمی در امارات متحده عربی در خصوص نحوه اجرای توافق‌های دوجانبه در مورد جزایر ایران در خلیج فارس، حاضر است با امارات گفت‌وگو کند، اما اشاره به موضوع «حل مناقشه از طریق مذاکرات دوجانبه» یا «اجراع پرونده به «دیوان بین‌المللی دادگستری» هرگز مورد پذیرش ایران قرار نگرفته‌است. اما تفاوت گفت‌وگو در مورد سوءتفاهم با «حل مناقشه» یا «اجراع به دیوان بین‌المللی دادگستری» چیست؟

کورش احمدی به هم‌میهن می‌گوید: «به‌طور کلی هیچ کشوری تعیین تکلیف جزئی از قلمرو خود را به یک نهاد فراملی، مانند دیوان دادگستری بین‌المللی، واگذار نمی‌کند. لذا وقتی کشوری از کشوری دیگر، مثلاً ایران، می‌خواهند که در مورد بخشی از قلمرو خود مذاکره کند یا آن را به قضاوت بین‌المللی واگذار کند، معنی آن این است این بخش از قلمرو را به عنوان قلمرو ایران شناخته‌اند و آن را مورد منازعه می‌دانند. بیانیه‌ای که روسیه زیر آن را امضا کرده‌است به این معنا است که مسکو معتقد است باید یک دادگاه بین‌المللی در مورد تعلق این بخش از خاک ایران به ایران تصمیم بگیرد. چنین موضعی عملاً به معنای تعرض به تمامیت ارضی کشور ما است.» احمدی می‌گوید: «ایران همیشه گفته‌است که یادداشت تفاهم ایران و شارجه مورخ نوامبر ۱۹۷۱ یکی از مبانی کار ما در مورد ابوموسی است. این یادداشت تفاهم ایران و شارجه مبنای وضعیت ابوموسی میان تهران و ابوظبئی است. در مورد تنب کوچک و تنب بزرگ هم جای بحثی وجود ندارد، چون این دو جزیره نیز مانند ابوموسی که همیشه به لحاظ تاریخی بخشی از قلمرو ایران و تحت حاکمیت ایران بوده‌اند، بعد از خروج انگلیس از خلیج فارس، به تملک و حاکمیت ایران بازگشتند. تنها در مورد ابوموسی با توجه به جمعیت غیرایرانی در آن تفاهماتی در مورد اداره جزیره لازم بود که ترتیبات آن در یادداشت تفاهم درج گردید؛ ضمن اینکه شارجه و انگلیس به عنوان قدرت حامی، طی نامه‌های متبادله با وزیر خارجه وقت ایران در ۲۵ نوامبر ۱۹۷۱ حاکمیت ایران بر این جزیره را مورد تأیید قرار دادند.» این دیپلمات ایرانی در مورد معنای موضع رسمی ایران در خصوص گفت‌وگو با امارات متحده عربی توضیح می‌دهد: «تهران همواره اعلام کرده‌است که اگر سوءتفاهمی در مورد نحوه اجرای یادداشت تفاهم در مورد وضعیت اداری ابوموسی وجود داشته باشد، آماده گفت‌وگو است. اما ایران هرگز نمی‌پذیرد که در مورد وضعیت مالکیت و حاکمیت ایران بر این سه جزیره مذاکره‌ای با طرف دیگری داشته‌باشد. ایران هرگز نمی‌پذیرد که این سه جزیره مورد منازعه هستند و فقط حاضر است اگر ابهام یا سوءتفاهمی در مورد نحوه اجرای مفاد یادداشت تفاهم با شارجه وجود دارد، برای رفع سوءتفاهم مذاکره کند.»

محمود شوری معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس): مسئله این است که ما نتوانسته‌ایم حتی در روابط با دوستان خودمان هم به گونه‌ای رفتار کنیم که مصالح و منافع ما را در نظر بگیرند و به انتظارات ما توجه داشته‌باشند

محمود شوری معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس): مسئله این است که ما نتوانسته‌ایم حتی در روابط با دوستان خودمان هم به گونه‌ای رفتار کنیم که مصالح و منافع ما را در نظر بگیرند و به انتظارات ما توجه داشته‌باشند

نقش شوروی در خاورمیانه

بسته به پیشرفتی که مسکو بتواند در روابط با اعراب به آن دست پیدا کند، در مورد گام‌های بعدی از این اهرم استفاده بیشتری خواهند کرد. نباید فراموش کنیم که مسکو تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک قطب مهم در تحولات خاورمیانه بود. اگر به جنگ‌های اعراب و اسرائیل یا تشکیل جبهه پایدار و تقابل (جبهه‌الصمود والتصدی) توسط کشورهای عربی همسو با شوروی یا حتی به حمایت‌های مسکو از سازمان آزادیبخش فلسطین (سلف) نگاه کنیم، می‌بینیم که شوروی به صورت مستقیم در تحولات منطقه نقش بازی می‌کرد. بعد از فروپاشی، وقفه‌ای در نفوذ مسکو در خاورمیانه اتفاق افتاد. بعد از فروپاشی شوروی مسکو به شدت مشغول مسائل بعد از این تحول پیرامون خود بود؛ از جمله تلاش برای تشکیل اتحادیه کشورهای مشترک المنافع، تقسیم‌داری‌ها و تعهدهای شوروی سابق و مسائل مختلفی که مستقیماً از فروپاشی ناشی می‌شد. در آن دوران مسائل منطقه آسیای میانه، قفقاز و شرق اروپا بیشترین اولویت را برای مسکو پیدا کرد و به همین دلیل از مسائل خاورمیانه بازماند. وقتی که آمریکا به عراق حمله کرد، وقتی عراق به کویت حمله کرد، مسکو دیگر توانایی ایفای نقش چندانی در منطقه نداشت.

پوتین و بازگشت به دوران شگوه

به تدریج وقتی یلتسین کنسار رفت و شرایط برای روی کار آمدن ولادیمیر پوتین فراهم شد، سیاست‌های مسکو هم رو به تغییر گذاشت. پوتین رویکرد کاملاً متفاوتی نسبت به سلف خود داشت، تفکرات، آموزش‌ها، سوابق و تجربیات پوتین از دوران شوروی سرچشمه می‌گرفت. پوتین تلاش کرد تا همان اقتداری را که در گذشته، شوروی در مقابل آمریکا نشان می‌داد، ساختار دوقطبی جهان را به شکلی جدید در دنیای امروز بازتعریف کند. در طول دو دهه گذشته پوتین تلاش کرده‌است تا به تدریج این رویکرد را عملی کند. سیاست پوتین برای احیای اقتدار مسکو، ادامه خواهد داشت و بخشی از این رویکرد بازگشت روسیه به خاورمیانه است. روسیه برنامه‌های متنوعی برای آینده حضور خودش در خاورمیانه دارد. فراموش نکنیم که مسکو نتوانست در گذشته ما را در پرونده سوریه دنباله‌روی خودش کند. اگر هویشاری کافی در سیاست خارجی ما وجود نداشته‌باشد و تلاش نکنیم تا توازن در سیاست خارجی ایجاد کنیم، ممکن است

دیپلمات‌ها



اعتراض صریح و شفاف ایران به مسکو

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست هفتگی با خبرنگاران با اشاره به قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل در مورد جنگ غزه گفت: «قطعنامه تصویب‌شده یک قطعنامه بی‌محتوا و غیرقابل اجراء است و این قطعنامه عملاً چیزی نیست که ملت فلسطین به آن نیاز دارد و منعکس کننده خواسته جامعه جهانی برای توقف فوری جنگ نیست.» ناصر کنعانی در مورد جلسه اخیر دادستانی ایران و جمهوری آذربایجان که به صورت آنلاین برگزار شد و آخرین وضعیت پرونده فرد حمله‌کننده به سفارت باکو در تهران، گفت: «این گفت‌وگو بخشی از تلاش‌های دو کشور برای حل‌وفصل موضوعات باقی‌مانده در روند روابط دو کشور و پرونده سفارت آذربایجان در تهران است. روند طی شده تاکنون مثبت بوده و بسیاری از جوانب این پرونده طی شده است.» کنعانی با بیان اینکه در این زمینه نقشه راهی برای بازگشایی سفارت آذربایجان در ایران تدوین شده و تلاش‌ها در این زمینه به خوبی پیش رفته است، تصریح کرد: «اما در سایر زمینه‌های مربوط به روابط دو کشور هم، شاهد اقدامات و تلاش‌های مشترک هستیم و اقدامات خوبی انجام شده است.» کنعانی درباره ادعای وزارت دفاع آمریکا که حمله پهپادی اخیر به کشتی تجاری در ساحل هند را به ایران نسبت داده است، با تأکید بر اینکه اتهام‌زنی‌های آمریکایی بی‌پایان است، گفت: «اما این اتهامات را مردود و بی‌ارزش می‌دانیم و معتقدیم که این اتهامات در راستای فرافکنی و سرپوش گذاشتن بر جنایات رژیم صهیونیستی از سوی دولت آمریکا مطرح می‌شود.»

ادامه از صفحه اول

متن اطلاعاتیه به این شرح است: «به آگاهی ملت شریف و قهرمان ایران می‌رساند ساعتی قبل در حمله موشکی جنایتکارانه رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونیستی به دمشق "سردار سرتیپ پاسدار سید رضی موسوی" از مستشاران نظامی سابق سپاه در سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمد. وی از هم‌زمان سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و مستول پشتیبانی جبهه مقاومت در سوریه بود. با تبریک و تسلیت شهادت این سردار عالیقدر به خانواده معظم و آحاد فرماندهان و رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی، تأکید می‌شود بی‌تردید رژیم غاصب و متوحش صهیونیستی تاوان این جنایت را خواهد پرداخت.» همچنین، سفیر ایران در سوریه جزئیات تازه‌ای از نحوه شهادت «سید رضی موسوی» ارائه داد و تأکید کرد بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۶۱ و ۱۹۷۳ این حمله جنایت از سوی رژیم صهیونیستی بوده است. حسین اکبری با اشاره به نحوه شهادت سیدرضی موسوی از یاران دیرین شهید حاج قاسم سلیمانی اظهار کرد: «ایشان، دیروز ساعت ۱۴ در سفارت کشورمان بودند و در محل دفتر کارشان حضور داشتند و سپس در بعد از ظهر، به محل اقامت و منزل‌شان در محله «زینبیه» رفتند.» وی افزود: «با توجه به اینکه همسر این شهید، معلم هستند، در آن ساعت در منزل حضور نداشتند و در ساعت ۱۶:۲۰ بعد از ظهر، منزل ایشان ظاهرأ با سه موشک از طرف رژیم صهیونیستی هدف قرار می‌گیرد و ساختمان تخریب و پیکر این شهید به حیاط پرتاب می‌شود.» وی در ادامه به سوابق شهید موسوی اشاره کرد و افزود: «ایشان، دیپلمات و رایزن دوم در سفارت کشورمان بودند که گذرنامه دیپلماتیک و اقامت دیپلماتیک در اینجا داشتند و در واقع بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۶۱ و ۱۹۷۳ این حمله به عنوان جنایت از سوی رژیم صهیونیستی انجام شده است.» اکبری افزود: «صهیونیست‌ها ضمن اینکه این جنایت را مرتکب شدند، به حوزه امنیت کشور سوریه نیز تعدی کردند زیرا که تأمین امنیت دیپلمات‌ها به عهده کشور میزبان است.» سفیر ایران در سوریه ادامه داد: «ایشان در مدت زمان حضورشان در سوریه، فعالیت مستشاری داشتند، روسای قوای سه‌گانه نیز با انتشار پیام‌هایی شهادت مستشار نظامی ایران در سوریه را تسلیت گفتند و بر پیگیری این حادثه تروریستی تأکید کردند.»

